



آیت الله قرهی مطرح کرد؛ علت این که بعضی‌ها در مقابل حق می‌ایستند چیست؟

آیت الله قرهی گفت: علت این که بعضی‌ها در مقابل حق می‌ایستند، این است که دنیا را می‌خرند و حق را می‌فروشند.

آیت الله قرهی گفت: علت این که بعضی‌ها در مقابل حق می‌ایستند، این است که دنیا را می‌خرند و حق را می‌فروشند.

به گزارش خبرگزاری مهر، نکته ای اخلاقی از آیت الله قرهی در پی می‌آید؛

قرآن می‌فرماید: علت این که بعضی‌ها در مقابل حق می‌ایستند، این است که دنیا را می‌خرند و حق را می‌فروشند. آن هم دنیایی که ارزشی ندارد و به هیچ احدی هم وفا نکرده است. نه پست‌ها و مقامات و نه مال و منال آن برای کسی نمانده و بدی آن، هم این است که از این مسئله هیچگاه عبرت نگرفتیم.

بارها بیان کردم که خداوند گاهی ثروتمندانی را در مقابل من و شما قرار می‌دهد - که این‌ها این‌قدر هم ماهر بودند! - که در یک شب ورشکست می‌شوند. پروردگار عالم می‌خواهد به ما بگوید: مواظب باش و خیلی دل نبند، ممکن است تو هم این‌گونه شوی.

یا صاحب منصبانی را در مقابل ما قرار می‌دهد که ناگهانی یک شب منصبشان را از آن‌ها می‌گیرند، پروردگار عالم می‌فرماید: مواظب باش و به این‌ها دل نبند.

صورت زیبا هم همین است، دست خودش هم نیست و نمی‌خواسته، اما تصادف می‌کند و در تصادف می‌سوزد و ما بین این پاره‌های آهن که تولید دست خود بشر است «ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، از بین می‌رود و آن به ظاهر خوشگل چنین و چنان را دیگر کسی نمی‌تواند ببیند!

پس خداوند این‌ها را به من و تو نشان می‌دهد که غره نرویم و دائم مواظبت کنیم.

یکی از اولیاء خدا دائم می‌فرمود: عزیزم! این را بدان! عالم، آینه عبرت بندگان است. اگر این‌طور به عالم نگاه کنیم که عبرت بگیریم، می‌فهمیم که همه می‌روند، اما چه کسی، چطور می‌رود؟ چه کسی، حق کسی را ضایع می‌کند و چه کسی نمی‌کند؟! خوب دیگر معلوم است که دل نمی‌بندیم. به هیچ چیزی دل نمی‌بندیم.

خدا گواه است اگر دل نبستیم، دیگر حرّ می‌شویم. البته منظور از حرّ شدن این نیست که بی‌ادب شویم. چون بعضی فکر می‌کنند منظور از حرّ شدن نعوذبالله این است که بی‌چاک و دهن شویم و هر چه خواستیم به دیگران بگوییم و بعد بگوییم: ما حرّ هستیم! حرّ، یعنی هیچ دل‌بستگی نداریم.

امام راحل عظیم‌الشّانمان این‌گونه بودند. ولو به لحظه‌ای این‌طور نبود که ایشان رهبری را بخواهند. وقتی درود می‌گفتند، بر ایشان تأثیری نداشت. لذا دیدیم که بدرقه امام بسیار باشکوه‌تر از استقبال ایشان بود. چند روز جنازه مبارک ایشان ماند تا همه بیایند و وداع کنند. من می‌خواهم بگویم: اگر مردم بیشتر از خود خانواده امام (به جز خود حاج سید احمد آقاگریه نکردند که به جرأت می‌توان گفت بیشتر هم گریه کردند، کمتر نبوده است. بعضی‌ها سخته کردند و مردند. ما اگر نعوذبالله همین مردم به امام، مرگ هم می‌گفتند - که الحمدلله امت ما نشان دهد که اهل کوفه نیست - بر ایشان هیچ تأثیری نداشت. البته ناراحت می‌شدند که چرا این‌ها مجدّد ولایت را گم کردند، اما برای شخص خودشان هیچ فرقی نداشت.

الآن امام‌المسلمین، رهبر عظیم‌الشّانمان هم همین‌طور هستند. اولیاء خدا این‌گونه هستند و برایشان این مسائل مهم نیست. آن‌ها حرّ هستند. امیرالمؤمنین حرّ است، آن‌جا که باید دفاع کند، دفاع می‌کند. امام صادق حرّ است، می‌بیند که الآن وقتی است که دعای مؤمنین (اللّهُمَّ اشْغَلِ الظّالِمِينَ بِالظّالِمِينَ) مستجاب شده و بنی عبّاس و بنی امیّه در جنگ هستند، لذا حکومت تشکیل نمی‌دهند و می‌دانند که الآن، بهترین موقعیت نشر علم آل محمّد(ص) یعنی در حقیقت علم پروردگار عالم است و همین کار را می‌کنند.

لذا حضرات معصومین هم تکلیف‌گرا بودند و هر چه خدا برایشان تکلیف کرده بود، انجام می‌دادند. الآن باید بجنگی، چشم.

الآن باید سکوت کنی، چشم. الآن باید دست بدهی، چشم. چشم، چشم، چشم. چشم. اتفاقاً اول کسانی که چشم، چشم می‌گویند، خود حضرات معصومین هستند. آنها در مقابل پروردگار عالم چشم مطلق هستند؛ چون از خودشان که چیزی ندارند و همه از خود خداست. لذا عبدالله می‌شوند.